

انتفاضه فلسطین: آینده و نقش آن در آزاد سازی

السائح، الشیخ عبدالحمید و آخرون.

الانتفاضة الفلسطينية مستقبلها و دورها

في التحرير. عمان: مرکز دراسات الشروح

الاوسط، ۱۹۹۱، ۱۳۲ صفحه.

عبدالرضا همدانی

کارشناس ارشد علوم سیاسی و کارشناس مرکز

پژوهشهای علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

اول می باشد که مقالات آن به مناسبت برگزاری همایشی در مرکز مطالعات خاورمیانه در امان پایتخت اردن ارائه شده است. این کتاب به یک مقدمه، دو بخش و یک نتیجه گیری تقسیم شده است. عنوان بخش اول «انتفاضه: دستاوردها، واقعیتها و عوامل مؤثر» می باشد. در این بخش سه مقاله، یک پیوست و چند نقطه نظر درباره مقاله های ارائه شده، مطرح شده اند.

اولین مقاله کتاب راهانی الحسن

مشاور یاسر عرفات و عضو شورای مرکزی

جنبش فتح به رشته تحریر درآورده است.

به نظر او، تغییر مسیر مبارزه علیه اسرائیل، از بیرون به درون سرزمین اشغالی دستاورد

بسیار مهمی است که در کنار به رسمیت

شناخته شدن سازمان آزادی بخش فلسطین

به عنوان تنها نماینده رسمی ملت فلسطین

در داخل و خارج سرزمینهای اشغالی،

مهمترین موفقیت انتفاضه به شمار می آید.

هانی الحسن معتقد است برنامه ریزی و بسیج

مردمی عامل محرک انتفاضه بوده است تا از

طریق جنبشهای نظامی و اقدامات سیاسی به

نتیجه مطلوب برسد. وی با طرح این این

سؤال که آیا انتفاضه قادر است فلسطین را

مقدمه:

حماسه حضور گسترده مردم فلسطین

برای آزاد سازی سرزمین تحت اشغالشان

مدتهاست که در صدر خبرهای بین المللی

قرار دارد و هر روز خبرگزاریها حوادث و

رویدادهای این قیام بزرگ را منعکس

می نمایند. واضح است که این انتفاضه

در امتداد انتفاضه سال ۱۹۸۷ قرار دارد و

همان اهداف و خواسته های ملی و اسلامی

را مطرح می کند و پیشینه انتفاضه و

دیدگاههای نیروهای فلسطینی فعال در

مسایل داخلی نظیر ساف مطرح می سازد.

کتاب حاضر حاوی سلسله مقالات چندین

شخصیت فلسطینی و اردنی درباره انتفاضه

آزاد کند و اشغالگران را اخراج نماید؟ به نقش و عملکرد انتفاضه برای تحقق این امر مهم می‌پردازد. به باور هانی الحسن، انتفاضه نمی‌تواند به تنهایی سرنوشت و وضع موجود را تغییر دهد بلکه یک عامل مؤثر برای گسترش رویارویی میان فلسطینیان و اسراییل است و به این دلیل باید استفاده سیاسی مطلوب از این انتفاضه به عمل آید.

به نظر می‌رسد نگاه ابزاری ساف به انتفاضه تاکنون هیچ تغییری نکرده است زیرا همانطور که هانی الحسن ده سال پیش مطرح کرده و اینک نیز با سرعرفات آن را تکرار می‌کند، انتفاضه به تنهایی کاری از پیش نمی‌برد و باید زمینه سیاسی داخلی و خارجی برای آن به وجود آید.

مقاله دوم کتاب، که می‌توان آن را به مثابه پاسخی به مقاله اول نیز ارزیابی نمود، نوشته محمد نزال نماینده جنبش مقاومت اسلامی، حماس است. به نظر محمد نزال مهمترین دستاورد بین المللی انتفاضه، توجه دوباره جامعه بین المللی به مسئله فلسطین پس از سالها کم توجهی و بی‌اعتنایی به آن بوده است. در سطح داخلی نیز ملت فلسطین با این انتفاضه چهره اسلامی خویش را

نشان داد، به طوری که شهادت و دستگیری و حبس به موضوعی عادی تبدیل شد و معلوم شد که ملت فلسطین حاضر است قربانیان بیشتری تقدیم کند.

در کنار این دستاوردها می‌توان به چالشهای رویارویی انتفاضه نیز اشاره کرد. که به نوبه خود به دو دسته چالشهای داخلی و خارجی تقسیم می‌شوند، مهمترین چالش داخلی، اختلاف نظر عمیق میان گروههای مشارکت کننده در این انتفاضه به لحاظ اهداف و استراتژیهای قابل دسترسی می‌باشد. به طوری که سازمان آزادی بخش فلسطین به انتفاضه همچون ابزاری برای نیل به مصالحه سیاسی با دشمن اشغالگر می‌نگرد، در حالی که حماس انتفاضه را یک حلقه از زنجیره جهاد مستمر علیه رژیم صهیونیستی می‌داند و به همین دلیل هدف استراتژیک این گروه، بیرون راندن اشغالگران بدون اعطاء هیچگونه امتیازی می‌باشد.

به عبارت دیگر رهبری رسمی فلسطین از انتفاضه به عنوان برگی برای بهبود وضعیت مذاکره کنندگان فلسطین استفاده می‌کند و همین اختلاف دیدگاهها باعث شده است که یک رهبری یگانه و مشترک برای هدایت

انتفاضه به وجود نیاید و حتی میان گروه‌های مختلف فلسطین، درگیری‌هایی نیز به وجود آید.

جنگ خلیج فارس و حمایت‌های وسیع آمریکا از اسرائیل در کنار مهاجرت گسترده روسها به اسرائیل، منجر به تحت فشار قرار گرفتن انتفاضه شد. به دلیل حمایت ساف از عراق، دهها هزار فلسطینی از کویت و دیگر کشورهای عربی خلیج فارس اخراج شدند و با بازگشت آنها به فلسطین، میزان بی کاری در این سرزمین افزایش یافت و حتی صادرات محصولات کشاورزی به کشورهای خلیج فارس نیز متوقف گردید و به این ترتیب به اقتصاد فلسطین خسارتهای وسیعی وارد آمد. طبق آمارهای موجود و در نتیجه عوامل فوق الذکر اقتصاد فلسطین در حدود پانصد میلیون دلار زیان دید.

محمد نزال در پایان مقاله اش پیشنهاد می نماید که برای رویارویی هرچه بهتر با اشغالگران اختلاف نظرهای سیاسی کنار گذاشته شود و تلاش به عمل آید تا وحدت ملی مستحکمتر گردد. در سطح بین المللی نیز باید افکار عمومی جهان را متوجه مظلومیت ملت فلسطین و فشارها و قلع و قمع صهیونیستها نمود به طوری که افکار عمومی از ملت فلسطین حمایت کنند.

وی در پایان مقاله اظهار می کند که انتفاضه ملت فلسطین، اقدامی خودجوش، بوده و ملت فلسطین تصمیم گرفته علیه رژیم صهیونیستی که دارای همه ابزارهای جنگی است وارد نبردی مسلحانه شود و برای آزادی سرزمین خود، جهاد نماید.

مقاله سوم را عزمی خواجا، دبیر اول حزب وحدت ملی دمکراتیک اردن، به رشته تحریر درآورده است. بنابه اعتقاد وی، همین که انتفاضه موفق شد چهره واقعی رژیم صهیونیستی نژادپرست، فاشیست و سرکوبگر را به جهانیان نشان دهد و کل ساختارهای اسرائیل اعم از ساختارهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و نظامی را به شدت نکان دهد، موفقیت بی نظیری می باشد. اما در این انتفاضه بروز مسایلی همچون درگیری میان گروههای سیاسی و قومی و ارتباط نادرست میان گروههای فعال در خارج از سرزمینهای اشغالی با گروههای مردمی داخلی و وجود یک رابطه سلطه طلبانه به جای روابطی دمکراتیک از سوی گروههای فعال در خارج، می تواند

منجر به تضعیف این قیام ملی شود. عزمی خواجا مهمترین عوامل بین المللی را که مانع از اوج گیری انتفاضه شده اند به دو بخش تقسیم نموده است.

۱- عامل منطقه ای: جنگ خلیج فارس و اخراج تعداد بی شماری از فلسطینیان مقیم در کشورهای خلیج فارس، نه تنها انتفاضه اول را با بحران مواجه کرد بلکه منجر به قطع کمکهای مردمی و رسمی از سوی اعراب شد.

۲- عامل بین المللی: حمایت همه جانبه آمریکا از اسرائیل و موافقت با پنج «نه» معروف اسرائیل که عبارتند از: نه به سازمان آزادی بخش فلسطین، نه به تشکیل یک دولت فلسطینی، نه به حق تعیین سرنوشت، نه به بازگشت پناهندگان، نه به عقب نشینی به مرزهای ۱۹۶۷.

این شخصیت اردنی، در قسمتهایی از مقاله خود به نقش مثبت و مؤثر سازمان آزادی بخش فلسطین (ساف) اشاره می نماید و در پیشنهادات خویش نیز قاطعانه از اتحاد ملت فلسطین و تعیین ساف به عنوان تنها نماینده مشروع و قانونی فلسطینیان حمایت می کند. وی معتقد است

ملت فلسطین می تواند با انسجام و وحدت خویش، اصول ثابت خود را که عبارتند از بازگشت آوارگان، تعیین سرنوشت و برپایی یک دولت مستقل فلسطینی، تحقق بخشند.

جسواد الحمد مدیر کل مرکز مطالعات خاورمیانه در امان در پیوست این بخش از کتاب نکات زیر را متذکر شده است:

۱- جنبش مقاومت اسلامی (حماس) برای نخستین بار پس از ۱۹۶۷ رهبری ملت فلسطین را برای مواجهه با دشمن صهیونیستی بر عهده گرفت.

۲- برای اولین بار پس از ۱۹۶۷، ملت فلسطین از درون سرزمینهای اشغالی دست به مبارزه زد، بدون این که هیچ کمک یا برنامه ریزی خارجی به آنها یاری رسانده باشد.

۳- مهمترین افراد مبارزه کننده جوانان زیر بیست سال بوده اند که با کلوخه و سنگ به مقابله با تانکهای دشمن صهیونیستی پرداخته اند.

به نظر می رسد جواد الحمد برخلاف عزمی خواجا از سازمان آزادی بخش فلسطین حمایت نمی کند و به همین دلیل انتقاداتی را

۲- حفاظت از انتفاضه به عنوان تنها وسیله برای مبارزه علیه رژیم صهیونیستی.

۳- ایجاد هماهنگی میان کلیه گروههای انتفاضه برای تحقق وحدت هرچه بیشتر.

۴- ترسیم یک برنامه استراتژیک زمان بندی شده برای کسب اهداف سیاسی.

در انتهای این بخش از کتاب نقطه نظرات سه تن از اساتید پیرامون مقالات ارایه شده، درج گردیده است.

علیان علیان در رابطه با مقاله هانی حسن به اعتقاد از اقدامات ساف در خصوص انتفاضه می پردازد. وی معتقد است که سازمان آزادی بخش فلسطین به امید این که موافقت اسرائیل و آمریکا را برای

تشکیل یک دولت فلسطینی پیش از خاموش شدن آتش انتفاضه جلب کند،

اندکی پس از آغاز انتفاضه شروع به واگذاری امتیازاتی به اسرائیل نموده اعطای این

امتیازات نه تنها «نه» های معروف اسرائیل را از میان نبرد بلکه منجر به کاهش شور و

حماسه مردمی در انتفاضه گردید و عملاً پیش بینی های ساف با شکست مواجه شد و

نادرست از آب درآمد.

متوجه این سازمان می نماید به اعتقاد او عوامل زیر در متوقف نمودن انتفاضه اول نقش داشته اند:

۱- اغواء و فریفتن سازمان آزادی بخش فلسطین به جلوگیری از انتفاضه

در مقابل شناسایی رسمی این سازمان به عنوان نماینده قانونی ملت فلسطین.

۲- دخالت و حمایت آمریکا از اسرائیل.

۳- قلع و قمع و سرکوب شدید مبارزان فلسطینی از سوی ارتش صهیونیستی.

۴- درگیری میان گروههای فلسطینی مخصوصاً نبردهای میان فتح و حماس.

۵- عدم حمایت مالی از انتفاضه در سطح کشورهای عربی.

وی بر این باور است که برای رشد و تداوم انتفاضه تا رسیدن به یک نتیجه مطلوب

و رضایت بخش می بایستی اقدامات زیر به عمل آید:

۱- فراهم آوردن حمایت مالی و تبلیغاتی در داخل و خارج سرزمینهای

اشغالی.

وی در رابطه بامقاله محمد نزال نیز می نویسد: «..... چرا برای پیشبرد انتفاضه و کسب اهداف ملی، جنبش حماس به سازمان آزادی بخش نمی پیوندد...» ص ۷۷

نقطه نظر دوم متعلق به صبحی طه می باشد، وی نیز در انتقاد از هانی حسن به نکات زیر اشاره می کند:

۱- برخلاف سخنان هانی حسن در درون جامعه فلسطین دو دستگی برای حل مسئله فلسطین به وجود نیامده بلکه از زمان پایان یافتن جنگ خلیج فارس، احزاب راستگرا و افراطی نقش بارزتری یافته اند، ضمن این که با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی اسرائیل بیش از پیش بر مواضع خود، در کنار حمایت‌های آمریکا، پافشاری می کند.

۲- علی رغم این که هانی حسن به درستی از تفرقه میان گروه‌های فلسطینی سخن می گوید ولی از آنها می خواهد که خود را کنار بکشند تا ملت فلسطین انتفاضه را هدایت کند، در حالی که می بایستی راه‌هایی را مطرح کند که این گروه‌های فلسطینی با اتحاد با یکدیگر بتوانند به نبرد

مسلحانه در کنار قیام ملی علیه دشمن صهیونیستی دست بزنند.

۳- زمانی که از بحران و وضعیت دشوار اقتصادی در این انتفاضه سخن به میان می آید، به راه حل‌های جزئی و کوتاه مدت نظیر حمایت کشورهای عربی و دریافت کمک از اروپا بسنده می شود، در حالی که هرگز برای مقابله با فساد و اسراف اقتصادی که سازمان آزادی بخش فلسطین در آن به سر می برد، هیچ چاره‌ای اندیشیده نشده است. در مجموع صبحی طه معتقد است که ساف در وضعیت کنونی، شرایط رهبری فلسطین را به دلیل فساد درونی و اعطای بیسوده امتیازات به اسرائیل، در اختیار ندارد و بالاترین امتیازی را که می تواند از اسرائیل دریافت کند، چیزی جز تشکیل یک حکومت خودگردان نخواهد بود.

بخش دوم کتاب به آینده و نقش انتفاضه در آزادسازی اختصاص یافته است. نواف الزرو دبیر سرویس امور میهن اشغالی در روزنامه الدستور اردن، نویسنده نخستین مقاله در این بخش از کتاب می باشد. وی ابراز می دارد تنها در صورتی می توان از نقش

انتفاضه در آزادسازی سرزمین اشغالی سخن گفت که بپذیریم انتفاضه تنها راه احقاق حق ملت فلسطین است. با این حال گروهی سعی دارند که از اعتماد به نفس فلسطینیان بکاهند و این اندیشه را وسعت بخشند که به این شیوه نمی توان در برابر قدرت اسرائیل قرار گرفت. وی انتفاضه را از ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و رهبری مورد بررسی قرار می دهد. بعد اقتصادی انتفاضه در جلوگیری از روند روبه رشد آن تأثیر بسیاری داشته است. اسرائیل برای ممانعت از تداوم این قیام ملی به استراتژی گرسنه کردن فلسطینیان روی آورد که قطع ۲۵۰ هزار درخت، حمله با ماشینهای نظامی به بوستانها و حیاطهای منازل و بستن فرصتهای شغلی در برابر فلسطینیان از جمله این استراتژیها می باشد.

به باور نواف الزرو و ضعف رهبری و عدم مدیریت صحیح عامل اصلی تضعیف کننده انتفاضه بوده است. رهبری فلسطین ضمن تقلیل اهمیت انتفاضه، سعی کرد از آن فقط به عنوان ابزاری برای مذاکره با اسرائیل استفاده کند و همین مسئله باعث بروز اختلاف و درگیری میان

گروههای سیاسی فلسطین در بسیاری از روستاها شد. او برای این که انتفاضه بتواند در آینده به هدف غایی خویش نائل آید، پیشنهاد می کند که یک مرکز اندیشه استراتژیک با شرکت پژوهشگران استراتژیست و متخصص در مسایل اعراب و اسرائیل تأسیس شود.

مقاله دوم نوشته جواد الحمد می باشد. او نیز با ارزیابی وضعیت کنونی انتفاضه و سیر تحولات آن از ۱۹۸۷الی ۱۹۹۱، آینده انتفاضه را منوط به توجه به چهار عامل می داند که عبارتند از: توان استمرار و گسترش، توان مقاومت در برابر خطرات، تحولات سیاسی و نظامی در کشورهای همجوار، همراهی مردمی و دولتی جهان عرب و اسلام.

به نظر الحمد هر کدام از این چهار عامل نیاز به زمینه ها و شرایطی جهت اجرا شدن دارند، به عنوان مثال در صورت توجه به کشاورزی و صنعت داخلی، انتفاضه از حمایت مالی داخلی بهره مند خواهد شد، ضمن این که برای گسترش انتفاضه بایستی هرگونه صدایی را که معتقد به صلح و سازش با اسرائیل می باشد، کنار گذاشت و بر این

مورد که نبرد و قربانی شدن تنها شیوه آزادسازی است، اصرار ورزید.

وی اختلافات موجود میان گروههای فلسطینی و درگیریهای داخلی را یک تهدید جدی تلقی می کند به طوری که هم باعث بی توجهی به هدف اصلی یعنی مبارزه با دشمن صهیونیستی می شود و هم این که راه را برای نفوذ دشمن و ایجاد ترس و وحشت میان مردم افزایش می دهد و در نهایت از توان مقاومت فلسطینیان می کاهد.

جواد الحمد معتقد است وجود دوررهبری متفاوت در فلسطین منجر به بروز مشکلاتی در مسیر انتفاضه شده است و اتحاد میان این دوررهبری بسیار ضروری می باشد. وی راهکارها و برنامه هایی نیز برای تحقق وحدت میان گروهها و رهبران انتفاضه ارایه نموده است.

در پایان همایش نیز توصیه هایی در رابطه با حمایت از انتفاضه که مورد قبول حاضران جلسه بود، به شرح زیر ارایه شد:

۱- دعوت به تأسیس جبهه ملی فلسطین.

۲- دعوت به تشکیل یک جبهه عربی و اسلامی حامی انتفاضه و مسئله فلسطین.

۳- دعوت به محافظت از انتفاضه و تلاش برای گسترش و تحول آن و توجه به این که هدف انتفاضه که شامل بیرون راندن دشمن از سرزمینهای اشغالی می باشد هدفی ملی است و ملت ما حاضر به پذیرش هیچ اقدام سیاسی متناقض با این هدف نیست.

۴- دعوت به تأسیس مرکز یا مؤسسه اندیشه های استراتژیک در رابطه با مسئله فلسطین.

